



تاریخ جامع جنگ‌های صلیبی

جلد پنجم

جنگ پنجم صلیبی (منابع)

به اهتمام: دکتر عبدالله ناصری طاهری (عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س))

مترجمان: دکتر عبدالله ناصری طاهری،

هدی زاهدی، عزیزه رحیم‌زاده

و دکتر فرحناز افضلی (عضو هیئت علمی سازمان اسناد و کتابخانه ملی)



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

اسفند ۱۳۹۳

Zakkar, Suhayl.

زکار، سهیل.

تاریخ جامع جنگ‌های صلیبی / سهیل زکار. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.

ج. ۱۲. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۱۶: تاریخ؛ ۷۰)

ISBN: 978-600-298-081-6

بها: ۱۰۰۰۰۰ ریال

فیپای مختصر.

این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است.

نمایه.

مندرجات: ج. ۵: جنگ پنجم صلیبی (منابع)

الف. ناصر بن طاهری، عبدالله، ۱۳۳۹- ، گردآورنده. ب. زاهدی، هدی، ۱۳۵۱- ، مترجم. ج. رحیم‌زاده،

عزیزه، ۱۳۶۰- ، مترجم. د. افضلی، فرحناز، ۱۳۴۸- ، مترجم. ه. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. و. عنوان.

۳۷۷۲۱۰

شماره کتابشناسی ملی



تاریخ جامع جنگ‌های صلیبی (ج ۵): جنگ پنجم صلیبی (منابع)

به اهتمام: دکتر عبدالله ناصر بن طاهری (عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س))

مترجمان: دکتر عبدالله ناصر بن طاهری، هدی زاهدی، عزیزه رحیم‌زاده و دکتر فرحناز افضلی (عضو هیئت علمی

سازمان اسناد و کتابخانه ملی)

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نصاب: ۲۸۰۳۰۹۰،

ص.پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

طرح «تاریخ جامع جنگ‌های صلیبی»
با پشتیبانی «صندوق حمایت از پژوهشگران کشور» انجام شده است.

مدیر طرح

ع.ن.ط

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع کمک‌درسی برای دانشجویان رشته‌های تاریخ و تمدن اسلامی، روابط بین‌الملل، تاریخ اسلام و ادیان و عرفان در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات اسلام و مسیحیت به‌ویژه در حوزه جنگ‌های صلیبی تهیه شده است. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مجری محترم طرح جناب آقای دکتر عبدالله ناصری طاهری و نیز مترجمان گرامی اثر جناب آقای دکتر عبدالله ناصری طاهری و سرکار خانم‌ها هدی زاهدی، عزیزه رحیم‌زاده و دکتر فرحناز افضلی تشکر و قدردانی کند. در این مجال فرصت را مغتنم شمرده از ارزیابان گرامی طرح «تاریخ جامع جنگ‌های صلیبی» آقایان دکتر محمدعلی چلونگر، دکتر منصور داداش‌نژاد، دکتر محمدرضا شهیدی پاک، دکتر مهرباب صادق‌نیا، دکتر ستار عودی و سرکار خانم دکتر فاطمه جان‌احمدی سپاسگزاری می‌شود.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
تاریخ بیت المقدس	۷
تاریخ جنگ فردریک دوم و ژان ابلینی صاحب بیروت	۱۱۱
آغاز روایت جنگ بین امپراتور فردریک دوم و ژان ابلینی	۱۱۳
چگونگی آمدن صاحب بیروت و قبرسی‌ها از نیکوزیا به فیماگوستا برای رفتن به سوریه	۱۵۸
چگونگی ورود قبرسی‌ها به بندر طرابلس	۱۵۹
چگونگی ترک صور از سوی ریچارد ویلنجر	۱۸۸
فتح دمیاط	۱۹۷
آغاز سخن	۱۹۹
نمایه اعلام	۲۶۵
نمایه مکان‌ها	۲۷۳

مقدمه

جنگ پنجم صلیبی سرآغاز توجه جدی صلیبی‌ها به قلمرو مصر است. جنگی که ناکامی فرماندهان و شوالیه‌های صلیبی را در پی داشت، اما عاملی در توجه مستمر و مداوم به این بخش از جغرافیای جهان اسلام به عنوان گلوگاه سوق الجیشی در شرق مدیترانه بود. چند منبع اختصاصی از این جنگ بر جای مانده است که از این میان سه متن، مهم و ارزنده‌ترند. آثار یعقوب ویتری، فیلیپ ناواری و اولیور پادربورنی.

یعقوب ویتری^۱ (۱۱۸۰-۱۲۴۰م) از جمله مورخان لاتینی تأثیرگذار بر حرکت پنجم صلیبی‌ها در اوایل قرن سیزدهم — همچون پطرس ناسک در قرن دوازدهم — همزمان با لشکرکشی صلیبی پنجم (۱۲۱۹-۱۲۲۱م) به شرق سفر نمود. وی از مقامات مذهبی فرانسه و از حاضران در مجمع لاتران و یکی از مبلغان برجسته برای دعوت مردم به این لشکرکشی بود. یعقوب ویتری با حضور در سرزمین مقدس (فلسطین) به مقام اسقفی شهر عکا رسید و در سال ۱۲۱۶م، مورخ رسمی دولت صلیبی بیت‌المقدس گردید. سپس به منصب سراسقف اعظم کلیسای بیت‌المقدس صلیبی و نایب کلیسای روم نائل آمد.

درواقع با توجه به اینکه شمار اندکی از مورخان مسیحی موفق به نگارش وقایع دوران پنجم جنگ‌های صلیبی شدند، ولی وی به دلیل حضور در صحنه این نبردها از آغاز تا پایان و نزدیکی‌اش به رهبران صلیبی، به‌خوبی از عهده این کار برآمد و حاصل مشاهدات عینی خود از وقایع مربوط به مقدمات لشکرکشی پنجم به شرق (مصر) تا استرداد بیت‌المقدس و پیامدهای آن را در اثری با عنوان تاریخ بیت‌المقدس با تکیه بر تاریخ ویلیام صوری به نگارش درآورد.

1. Jacque de Vitry

ویتری به سان بیشتر مورخان و سیاحانی که به تاریخ بیت‌المقدس اهتمام نموده‌اند، نخست به بیان تاریخ باستانی این سرزمین، تاریخ بنی‌اسرائیل و دیگر اقوام ساکن شهرها و موقعیت جغرافیایی آن پرداخته است. اطلاعات او از تنوع جمعیت، معرفی و توصیف اقوام و نژادهای مختلف سرزمین مقدس و پراکندگی آنان در شهرهای مختلف همزمان با جنگ‌های صلیبی، به ویژه فرقه‌های مختلف مسیحیان شرق نظیر (سریانی‌ها، یعقوبی‌ها، یونانی‌ها، نسطوری‌ها، مارونی‌ها، ارمنی‌ها، گرجی‌ها و مستعربان) و فرقه‌های یهودی مثل (اسینی‌ها، صدوقی‌ها و سامری‌ها) و مسلمانان و روابطشان با یکدیگر و زندگی‌شان در کنار همدیگر، آداب و رسوم و باورها و آیین‌ها و مراسم مذهبی‌شان، مهارت‌ها و مشاغلشان، رفتارها، عادات و خط و زبان و لهجه آنها و... بسیار قابل تأمل است به نحوی که در کمتر اثری دیده می‌شود.

وی افزون بر شرح جزئیات روابط مسلمانان و مسیحیان در شهرهای مختلف سرزمین مقدس در نیمه قرن سیزدهم میلادی، روابط اجتماعی و نظامی آنها را از همان آغاز جنگ صلیبی اول (۱۰۹۹) تا پایان جنگ پنجم، بیان می‌کند. رویارویی‌های متعدد صلیبی‌ها با فاطمیان و بعد با صلاح‌الدین ایوبی در مناطق مختلف، نظیر نبردهای عسقلان، نبرد صفوریه و نبرد حطین و نتایج و پیامدهای این نزاع‌ها (۱۱۸۷) رویارویی سواران معبد و سواران مهمان‌نواز با مسلمانان در نبرد حطین را شرح می‌دهد. وی همزمان به توصیف زوایایی از تلاش مسیحیان برای استرداد شهرهای مختلف سرزمین مقدس از مسلمانان، نظیر محاصره و تصرف شهرها و مناطق و نحوه استیلاء صلیبی‌ها بر اسباط ده‌گانه بیت‌المقدس نیز می‌پردازد.

معرفی پادشاهان فرنگی بیت‌المقدس از آغاز دستیابی آنها بر این سرزمین و اقدامات و عملکرد ایشان در این منطقه از دیگر بخش‌های تاریخ بیت‌المقدس است.

اطلاعات یعقوب ویتری از نحوه تقسیم سرزمین مقدس میان فرمانروایان مختلف صلیبی، زیر نظر پادشاه صلیبی و برای تأمین امنیت و اداره بهتر آن، جزئیات روابط صلیبی‌ها با امپراتور بیزانس بر علیه مسلمانان (صلاح‌الدین)، توصیف رونق و شکوفایی سرزمین مقدس همزمان با ورود و استقرار صلیبی‌ها در آن و پرجمعیت‌تر شدن آن از مهاجران اروپایی و معرفی همه‌جانبه او از اقوام و نژادهای مختلف مسیحی اروپایی مهاجر به سرزمین مقدس و بیان خصوصیات و مهارت‌ها و باورها و آداب و رسوم آنها و... نیز قابل توجه است.

توصیف او از موقعیت زنان و روحانیون صلیبی، امارت رها (ادسا) و انطاکیه و فرمانروایی آنها، معرفی پاپ‌ها، اقدامات پادشاهان اروپا در تدارک و بسیج نیروها در لشکرکشی صلیبی به

شرق از راه خشکی و دریا و حضور آنها در این نبردها، رویارویی‌های متعدد صلیبی‌ها با صلاح‌الدین و موفقیت آنها در استرداد بیت‌المقدس، تبیین علل شکست مسلمانان در این مرحله از جنگ، شرح مسائل داخلی فرماندهان و پادشاهان و شاهزادگان صلیبی (فرانسوی‌ها و انگلیسی‌ها) و اختلافات و دودستگی میان صلیبی‌ها، عملکرد فرقه‌های نظامی سواران معبد و سواران مهمان‌نواز، اقدامات ریچاردشاه، پادشاه انگلستان در عسقلان، غزه و... نحوه صلح و آتش‌بس میان مسلمانان و صلیبی‌ها و پذیرفتن شرایط صلح مسلمانان از سوی شاه‌ریچارد و پادشاه فرانسه و ترک جنگ از سوی این دو و بازگشت آنها به اروپا، مطالب بعدی است که یعقوب ویتری به ترتیب و با نثری سلیس و روان شرح می‌دهد.

مرگ صلاح‌الدین و وقوع جنگ داخلی میان خاندان و جانشینانش و اختلافات آنها و پیامدهایش، نظیر از دست دادن شهرهایی مثل جبیل و بیروت و... اعزام لشکری از آلمان به سرزمین مقدس از سوی امپراتور هانری ششم و روابط پادشاهان صلیبی قدس با ایوبیان در مناطق مختلف و رویارویی مجدد مسلمانان و مسیحیان و نحوه شکسته شدن چندین باره آتش‌بس میان آنها، آخرین مباحثی است که او در تاریخ بیت‌المقدس تبیین و توصیف کرده است. از جمله بارزترین امتیازهای اثر ویتری بدین شرح است:

۱. تاریخ بیت‌المقدس ویتری و نامه‌های هفت‌گانه او به پاپ از مهم‌ترین و معتبرترین منابع تاریخی برای وقایع و حوادث حمله پنجم صلیبی و احوال صلیبیان در شام و انطاکیه است؛
۲. تاریخ بیت‌المقدس در کل بیانگر اهتمام و تلاش نویسنده برای تقویت ایمان صلیبی‌ها مقیم شرق و یک‌سو و مسیحی‌سازی سرزمین مقدس از سوی دیگر است. تبلیغ دین مسیح در شرق و بازسازی کلیساها و اقدامات دیگر از سوی یعقوب ویتری گواهی بر این مدعا است؛
۳. توصیف رقابت‌های تجاری و اقتصادی میان سه جمهوری ایتالیایی ونیز، پیزا و ژنوا و پیامدهای آن در سرزمین مقدس از دیگر امتیازهای این اثر است؛
۴. یعقوب ویتری با دیدی تعصب‌آمیز نسبت به مسلمانان از آنها با عناوین کافران، سراقنه و مردان نجس تعبیر می‌کند و معتقد است با ظهور اسلام در فلسطین، اخلاق اجتماعی افول کرد و زنان در این شریعت، زندانی خانه و فقط مسئول تولید نسل هستند؛
۵. وی به اقتضای کلام به‌سان سفرنامه‌نویسان صلیبی، به ارائه اطلاعات متعدد و توصیف موقعیت جغرافیایی و تاریخی شهرها و مناطق مختلف سرزمین مقدس نظیر شهرهای

ساحلی شام — که محل رویارویی صلیبی‌ها با مسلمانان بود — و وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنها همزمان با جنگ‌های صلیبی می‌پردازد که این نیز از محاسن کتاب اوست؛
۶. تبیین و تحلیل علل وقوع زمین‌لرزه‌های متعدد در سرزمین بیت‌المقدس یکی دیگر از امتیازهای این اثر است.

یعقوب ویتری علاوه بر این کتاب، که به تاریخ بیت‌المقدس مشهور است و نویسنده اساساً به همین کتاب شناخته شده، کتاب‌های دیگری هم دارد. از جمله تاریخ جنگ‌های صلیبی^۱ که محتوای آن مجموعه خاطرات و تجارب او در دوره صلیبی‌ها در حمله به مصر و شام و جنگ آلبی‌ژن‌ها در جنوب فرانسه است و M. Cuizet آن را در سال ۱۹۲۵م، در پاریس چاپ کرده است. کتاب تاریخ مشرق^۲ او تاریخ عمومی شرق با اشاره به راه‌ها و بندرها و وضعیت شهرهای آن به‌ویژه مصر و سوریه است. در کنار این سه اثر، مجموعه‌ای از حکمت‌ها و اندرزهای مردمی به نام *Sermones Valgare* منسوب به اوست که جانانان رایلی اسمیت در کتاب جنگ‌های صلیبی خود با این نام گردآوری کرده است:

The Crusades, Idea and Reality, 1095-1247.

فیلیپ ناواری^۳ در سال‌های پایانی قرن دوازدهم میلادی در شهر ناوار در ایالت لمباردی به دنیا آمد و از سنین جوانی به شرق جزیره قبرس وارد شد و ابتدا به خدمت یکی از شوالیه‌های قبرس که از محاصره‌کنندگان بندر دمیاط بود درآمد. از او حقوق را فراگرفت. پس از مدتی همراه رالف، صاحب صلیبی طبریه شد. اما حیات عمده و دلچسب خود را پس از آن در دربار ژان ابلینی، امیر صلیبی بیروت گذراند. فلیپ، مستشار ژان ابلینی شد که از اقطاع‌داران و نجیب‌زادگان سرشناس صلیبی در مشرق‌زمین بود.

تاریخ او که به تاریخ نبرد فردریک دوم با ژان ابلینی مخدوم خود، مشهور است، یکی از منابع مهم آن بخشی از تاریخ جنگ‌های صلیبی است که به منازعات امیران و حاکمان صلیبی با یکدیگر اختصاص دارد. این تاریخ که به قول نویسنده آن فقط روایتی درباره علل حقیقی این جنگ است، بیشتر سیره‌نامه و سرگذشت‌نامه صاحب صلیبی بیروت، ژان ابلینی است.
او در تاریخ خود از اشعار زیادی بهره گرفته که به قول رانسیمان به‌رغم کم‌بهره‌گی از لطافت شاعرانه، ولی از طراوت و شیرینی مطبوعی برخوردار است. سخن گفتن از امتیازهای تجاری داده

1. *Histoire des Croisades*

2. *Historia Orientales*

3. Philip de Navar

شده به ژنوایی‌ها و ونیزی‌ها از سوی ژان ابلینی از یک سو و شکاف میان این دو جمهوری اقتصادی ایتالیایی و تأثیر آن بر فعالیت بازرگانی صلیبی‌ها از سوی دیگر و ترسیم صحنه حمایت ژنوایی‌ها از ژان ابلینی و پشتیبانی پیزایی‌ها جمهوری دیگر ایتالیا از فردریک دوم علیه خاندان ابلینی از طرفی، همه و همه از گزارش‌های دقیق این کتاب است. اما این نکته را هم باید توجه کرد که اطلاعات تاریخی فیلیپ ناواری از حوزه اسلامی چندان دقیق نبوده است. مثلاً در بیان معاهده صلح امپراتوری آلمان فردریک با پادشاه ایوبی مصر ملک کامل ایوبی، او را سلطان قاهره و دمشق خطاب می‌کند. در صورتی که دمشق در این روزگار تحت سلطه ملک معظم عیسی بن ابوبکر بوده است.

یکی دیگر از وقایع نگاران و مورخان لاتین جنگ پنجم صلیبی که خود در آن نبردها شرکت داشته و به ثبت وقایع و حوادث این لشکرکشی صلیبی‌ها به شرق و نتایج آن از طریق مشاهدات عینی‌اش اهتمام نموده اولیور پادربورنی^۱ اهل آلمان و منشی یعقوب دی ویتری است.

تاریخ دقیق ولادتش معلوم نیست. اما در سال ۱۲۰۰م، استاد الهیات مدرسه پادربون آلمان بوده و حدود ۱۲۰۷م، هم ظاهراً در دانشگاه پاریس به تدریس سرگرم شده و پس از دو سال به کلن برگشته است. وی از جانب پاپ «اینوسان سوم» برای به دستگیری مجدد صلیب و آزادسازی آرامگاه مقدس دست به تبشیر و تبلیغ زد و همراه یعقوب ویتری اندیشه جنگ پنجم صلیبی را ترویج کرد. وی همچنین در مجمع کلیسای لاتران در ۱۲۱۵م، به عنوان نماینده کلیسای کلن حضور داشته است. اولیور که خود در جنگ پنجم حاضر بوده، در محاصره دمیاط به اسارت مسلمانان درآمد و پس از آزادی به اروپا بازگشت و همان "Historia Damiatana" کسوت پیشین اسقفی و کلیسای را دنبال کرد. کتابش به نام فتح دمیاط در فاصله سال‌های ۱۲۱۷ تا ۱۲۲۲م، یعنی در حین جنگ پنجم نگاشته شده است. هرچند وی هم مانند یار خود یعقوب ویتری متعصب است، اما به رفتار انسانی و اخلاقی مسلمانان با او در هنگام اسارت تأکید دارد. مرگ اولیور در ۱۲۷۷م، فرارسید و در ایتالیا مدفون شد.

کتاب اولیور پادربورنی را پروفیسور Gavigan با نام *The Capture of Domiefta* ترجمه و در سال ۱۹۸۴م، در فیلادلفیا چاپ کرد. اهمیت این کتاب بیشتر در مشاهدات نویسنده از جغرافیای جنگ پنجم و اطلاعات او درباره جغرافیای تاریخی سرزمین مقدس است.

کتاب تاریخ یا فتح دمیاط مشتمل بر یک مقدمه و ۸۹ فصل کوتاه است. اولیور در این اثر به توصیف مقدمات و علل و زمینه‌های پنجمین لشکرکشی صلیبی‌ها به شرق و وقایع آن از آغاز تا

1. Oliver of Paderborn

پایان و فتح دمیاط از سوی صلیبی‌ها به همراه جزئیات آن می‌پردازد. اطلاعات او درباره مصائب و مشکلات صلیبی‌ها در راه رسیدن به مصر، عملکرد ناوگان دریایی صلیبی‌ها، نحوه شرکت تعداد زیادی از پادشاهان، شاهزادگان، اشراف اروپا و پادشاه قبرس و بیت‌المقدس در این جنگ و بر عهده گرفتن فرماندهی جنگ از سوی آنان، نحوه روابط و رویارویی مسلمانان مصر و مسیحیان در این نبرد و پیامدهای آن برای طرفین در فاصله سال‌های ۱۲۱۷ تا ۱۲۲۲ م، قابل ملاحظه و توجه است. افزون بر این، او در این کتاب به وضعیت امیرنشین انطاکیه و اختلافات امیر انطاکیه بوهیموند چهارم با ارامنه بر سر آن و شهر بیت‌المقدس و تلاش وی در بازگرداندن انطاکیه از دست ارمنی‌ها در سال ۱۲۱۷ م، پرداخته است. امید است این سه منبع در تاریخ جنگ پنجم صلیبی مفید باشد.

عبدالله ناصری طاهری

عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء (س)

زمستان ۱۳۹۰

تاريخ بيت المقدس

تأليف: يعقوب ويتري

ترجمه: دكتور عبدالله ناصري طاهري
(عضو هيئة علمي دانشگاه الزهراء (س))

و

هدى زاهدي

سرزمین مقدس موعود که خداوند آن را دوست دارد، فرشتگان آن را پاک و منزه کرده و جهانیان چشم بدان دوخته‌اند، سرزمینی است که خداوند آن را از دیگر مناطق جهان برتر دانسته و آن را وسیله نجات بشریت از هر گونه گناه و پلیدی قرار داده است. همان خدایی که ما را آزاد آفریده است، این سرزمین را از گناهان بسیار مردم، پاک و منزه ساخته است و خواسته که این سرزمین با مشکلات فراوانی مواجه شود. از این رو ما را از انداختن چیزهای مقدس برای سگ‌ها و خوک‌ها منع کرده است. مردمان بی‌شماری این سرزمین را در اختیار داشته‌اند و بسیاری به آن روی می‌آوردند و بسیاری نیز از آن رخت برمی‌بستند، ولی اندک کسانی از آنان قادر به تشخیص پاکی آن از هر گونه پلیدی بودند. از این رو، افراد بی‌شماری حرمت این سرزمین پرخیز و برکت، سرزمین حضرت مسیح^۱ و دیگر پیامبران پاک و مطهر^۲ و حواریون مقدس^۳ را نگه نداشتند، و آن را آلوده کردند به طوری که خداوند از زبان پیامبرش درباره این سرزمین می‌فرماید: کسانی که تو را بیالایند گویی که چشم مرا می‌آلایند،^۴ از آن رو که چشم مهم‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین عضو بدن به شمار می‌رود و به محض مشاهده هر گونه آلودگی باید به زدودن آن پرداخت و در طول

۱. منظور نویسنده این است که حضرت مسیح در فلسطین متولد شد و پرورش یافت سپس از آنجا به ملکوت اعلی پیوست.

۲. منظور نویسنده حضرت ابراهیم(ع)، اسحاق(ع) و یعقوب(ع) است.

۳. پیروان حضرت مسیح.

۴. ر.ک: عهد عتیق، کتاب زکریا(ع)، فصل دوم، آیه ۸-۹: ز آن رو که خداوند لشکرها می‌فرماید که علاوه بر جدال مرا به طوایفی که شما را یغما نموده‌اند فرستاده است زیرا کسی که به شما برمی‌خورد مردمک چشم خود او را برمی‌خورد، زیرا اینک من بر ایشان دست خود را حرکت می‌دهم و ایشان یغمای بندگان ایشان خواهند شد و خواهید دانست که خداوند لشکرها مرا فرستاده است.

تاریخ نیز خوانده‌ایم که بزرگان و مخلصان بسیاری برای زدودن آلودگی از این سرزمین برخاستند و توانستند با یاری خداوند متعال تجاوزگران و یاغیانی را که در صدد آلوده کردن آن بودند، بیرون رانند و آنجا را از هر گونه آثار شرک و پلشتی پاک و مطهر گردانند، به هر حال خداوند آمرزنده و مهربان است و هر کسی را که به گناهان خود اعتراف کند و در راه راست قرار گیرد، با عفو و رحمت بیکران خود می‌نوازد.

در اینجا به چند نمونه از تاریخ گذشته این سرزمین اشاره می‌کنم، ملکی صادق^۱ از کاهنان بزرگ خدایان به شمار می‌رفت و پادشاه شهر «سالم» بود که بعدها این شهر به «اورشلیم» معروف شد، سپس پادشاهان یبوسی این سرزمین را تا دوران پادشاهی حضرت داوود(ع)^۲ در اختیار داشتند، ولی بر اثر ظلم و ستم بی‌شمار آنان^۳، خداوند قوم بنی‌اسرائیل را بر آنها چیره ساخت، آنان عرش پروردگار را در آنجا گستراندند تا بندگانش بتوانند با راحتی و آرامش بیشتر در راه خداوند قربانی دهند، ولی متأسفانه این سرزمین بار دیگر و بر اثر گناهان مردم در دوران پادشاهی صدقیا^۴ و پیامبری ارمیا^۵ به دست بابلی‌ها سقوط کرد و به مدت هفتاد سال^۶ تحت سلطه آنان قرار گرفت.

۱. ملکی صادق یکی از پادشاهان کنعانی و حکمران بیت‌المقدس به شمار می‌رفت، وی خداپرست و از یاران حضرت ابراهیم(ع) بود، اسم ملکی صادق از اسم‌های کنعانی است که در آن زمان شایع بود و به معنی پادشاه عدل و درستکاری است (ر.ک: مصطفی مراد دباغ، بلادنا فلسطین، ج ۸، ص ۲، بیروت، ۱۹۷۴م، ص ۵۹؛ بوچارد، وصف الارض المقدسه، ترجمه (به عربی) سعید البیضاوی، ج ۱، عمان: دارالشروق، ۱۹۹۵م، ص ۱۲۰).
۲. ملکی صادق یکی از پادشاهان یبوسی کنعانی به شمار می‌رفت. بیت‌المقدس تحت فرماندهی یبوسی‌ها قرار داشت تا اینکه حضرت داوود(ع) در قرن دهم پیش از میلاد بر آنان غلبه یافت.
۳. هیچ‌گونه ظلم و ستمی در کار نبوده است، ولی قوم بنی‌اسرائیل به فرماندهی حضرت داوود(ع) به نبرد با کنعانیان ساکنان اصلی این سرزمین پرداختند و آنجا را به تصرف خود درآوردند.
۴. صدقیا بن یواقیم پادشاه دولت یهودا و معاصر نبوکد نصر پادشاه کلدانی بود که این پادشاه به اورشلیم حمله کرد و آنجا را به تصرف خود درآورد و پادشاه آن، صدقیا را در سال ۶۸۵ پیش از میلاد به قتل رسانید (ر.ک: محمد عزت دروزه، تاریخ بنی‌اسرائیل من اسفارهم، چ صیدا، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۹۶۹م، ص ۱۷۸).
۵. ارمیا از کاهنان و به گفته‌ای از پیامبران بنی‌اسرائیل بود. وی شاهد حمله نبوکد نصر به اورشلیم بود، گفته می‌شود ارمیا به خاطر افزایش گناه، پادشاه صدقیا را سخت مورد انتقاد قرار داد که همین امر خشم پادشاه را برانگیخت و او را مدتی در زندان افکند، زیرا این پیامبر مردم را از سرنوشت تلخ بیت‌المقدس بر حذر می‌داشت.
۶. شهر بیت‌المقدس به دست نبوکد نصر پادشاه کلدانی بابل سقوط کرد، وی صدقیا را به قتل رسانید و شهر را غارت کرد و یهودیان را در سال ۵۸۶ پیش از میلاد به اسارت خود درآورد، ولی به نظر می‌رسد یعقوب ویشری در تعیین مدت زمان اسارت یهودیان در بابل دچار اشتباه شده باشد چون این مدت از ۵۴ سال تجاوز نکرد و کوروش پادشاه ایران آنان را در حدود سال ۵۳۲ پیش از میلاد از اسارت آزاد نمود.

پس از آزادی سرزمین‌های مقدس، مسیحیان شادمان شدند؛ زیرا خواست و آرزوی دیرینه آنان تحقق یافت، ولی بسیاری از آنها دریافتند که نمی‌توانند به حفظ و صیانت از این سرزمین ادامه دهند، مگر آنکه مرزهای آن را مستحکم نمایند و دشمنان^۱ را از حمله مجدد به آن بازدارند، از این رو تصمیم گرفتند در این سرزمین اقامت نمایند^۲ و به دادن قربانی در راه خدا ادامه دهند و به اطاعت امر پروردگار بپردازند.

شمار آنان در مقایسه با دیگر اقوام اطراف آن سرزمین بسیار اندک بود و از هر سواز سوی کفار^۳ احاطه شده بودند: اعراب، مؤابی‌ها^۴ و عمونی‌ها^۵ از سمت مشرق و ادومی‌ها،^۶ و

۱. در اینجا منظور مسلمانان هستند، زیرا سرزمینی که فرنگیان بر آن چیره شدند در اختیار حکومت اسلامی بود. از این رو، در اغلب نوشته مؤرخان غربی به‌ویژه در قرون وسطا از مسلمانان به عنوان دشمن، سراقنه، کفار و بت پرست یاد شده است که هیچ مناسبتی با اخلاق و سیرت پاک و تسامح مسلمانان ندارد.

۲. فرنگیان در سال ۱۰۹۹م، پس از ارتکاب یک قتل عام هولناک، بیت المقدس را تصرف کردند و بسیاری از ساکنان مسلمان و یهودی شهر را از دم تیغ گذراندند به طوری که ابن اثیر در کتاب تاریخ خود درباره این واقعه می‌گوید: فرنگیان به مدت یک هفته ساکنان مسلمان بیت المقدس را قتل عام کردند و یهودیان را در کنیسه‌ها در آتش سوزاندند، پس از خالی شدن شهر از سکنه پادشاه فرنگ بالدوین اول دستور داد تا مسیحیان مشرق‌زمین از ماوراء اردن بدانجا مهاجرت نمایند (ر.ک: ابن قلانسی، ذیل تاریخ دمشق، چ دمشق، ۱۹۸۳م، ص ۱۲۲؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، چ بیروت، ۱۹۶۶م، ص ۱۰؛ زکار، سهیل، مدخل الی تاریخ الحروب الصلیبیه، چ ۲، دمشق، ۱۹۷۵م، ص ۲۴۴؛ البیضاوی، سعید، نابلس، الاوضاع السیاسیه والاجتماعیه والثقافیه والاقتصادیه فی عصر الحروب الصلیبیه، چ ۱، عمان، ۱۹۹۱م، ص ۴۹؛ نیز:

Fulcher of Chartares, *A History of the Expedition*, trans. by Frances Rita Ryan Sisters of St. Joseph Edited with an Introduction by Harolds Fink Konuville U.S.A, 1969, p.21; William of Tyre, *A History of Deeds Done Beyond the Sea*, vol.I, trans. by Babcock and Krey New York, 1943, pp.507-508).

۳. یعقوب ویتری اقوام غیر مسیحی را کافر خطاب کرده است.

۴. مؤابی‌ها نام قومی است که در وادی حسا در جنوب و حسابان در شمال سکونت داشتند، ابتدا یک دولت مستقل داشتند ولی مورد حمله سیحون، پادشاه آموری‌ها قرار گرفتند و سرزمین‌شان را از دست دادند، در دوره پادشاهی سرجون دوم پادشاه آشوری، حسابان از چنگ آموری‌ها خارج شد و دوباره به دست مؤابی‌ها افتاد، آنان با آشوری‌ها به‌طور مسالمت‌آمیز زندگی کردند و به عمران و بازسازی شهر پرداختند (ر.ک: لوئیس مخلوف، الاردن تاریخ و حضارة الآثار، چ عمان، ۱۹۸۳م، ص ۱۱۳).

۵. عمونی‌ها نام قومی نیمه صحرائشین است که در منطقه شرف اردن اقامت می‌کردند، آنها یک دولت مقتدر در حد فاصل موجب در جنوب، زرقا در شمال و رود اردن در غرب برپا کردند و امان را برای خود پایتخت برگزیدند، ولی این قوم بارها با تاخت و تاز آشوری‌ها مواجه شدند که سرانجام به تسخیر امان و پرداخت باج به آشوری‌ها منجر گردید (ر.ک: لوئیس مخلوف، همان، ص ۷۰ و ۱۰۹).

۶. ادومی‌ها نام قومی است در سوریه، آنها دشمنان سرسخت موسویان (یهودیان) به شمار می‌رفتند، به طوری که

فلسطینی‌ها^۱ از سمت جنوب. در غرب فلسطین شهرهای ساحلی چون عکا، صور، طرابلس و شهرهای دیگری که تا انطاکیه امتداد داشت، در شمال این سرزمین قیساریه فیلیپی^۲ و شهرهای ده‌گانه^۳ و دمشق قرار داشت. با اینکه جان اهالی این شهرها در خطر بود، ولی آنان ترجیح دادند که در خدمت حضرت مسیح ثابت و استوار باقی بمانند و از سرزمین‌های مقدس دفاع کنند، آنان

مانع عبور آنان از مصر به فلسطین شدند (ر.ک: احسان عباس، تاریخ دولة الانباط، چ عمان، ۱۹۸۷م، ص ۱۹؛ احمد سوسه، مفصل العرب واليهود فی التاريخ، چ بغداد، ۱۹۸۱م، ص ۷۹۹؛ همو، تاریخ و حضارة وادی الرافدین، ج ۲، چ بغداد، ۱۹۸۶م، ص ۳۳۴).

۱. فلسطینی‌ها، درباره اصل و نسب این قوم روایت‌های مختلفی وجود دارد، برخی نام آنان را به قبیله پلستین یکی از قبایل کنعانی نسبت می‌دهند که از سرزمین‌های عربی به دلیل خشکسالی همچون دیگر قبایل عرب کنعانی به شام مهاجرت کردند. برخی از سران قبایل پلستینی در جزیره کرت اقامت کردند ولی پس از حمله یونانی‌ها به آن جزیره، به سرزمین شام بازگشتند و در جنوب فلسطین سکونت گزیدند و شهرهایی چون عسقلان، غزه، اسدود، عاقر و جت را احداث کردند، برخی مؤرخان اصل این قوم را از قبایل اژه‌ای می‌دانند که از جزیره کرت بر اثر فشار یونانی‌ها به جنوب فلسطین مهاجرت کردند و شهرهای یادشده را بنا نهادند، یکی از پژوهشگران می‌گوید فلسطینی‌ها اقوامی تنومند و درشت اندام بودند از این رو در تورات و قرآن بدین نام ذکر گردیده‌اند (ر.ک: احمد سوسه، مفصل العرب واليهود فی التاريخ، ص ۲۱۹-۲۲۵؛ همو، تاریخ و حضارة الرافدین، ج ۲، ص ۴۰۰؛ نجیب میخائیل، مصر والشرق الأدنى القديم، ج ۳، چ اسکندریه: دارالمعارف، ۱۹۶۶م، ص ۳۴۸-۳۵۴؛ مجلة الأديب البيروتیه، آوریل ۱۹۷۴م، ص ۲ و ۳؛ نیز:

Cook, S. A. Philistines, *Ency. Brit.*, Vol.17, 1965, pp.737-738).

پژوهشگر دیگری می‌گوید که واژه فلسطین ریشه سامی دارد و از کلمه فِلَسْتِین به معنی کشاورز مشتق شده است (ر.ک: یونس عمرو، خلیل الرحمن العریبه، چ ۲، الخلیل: مرکز البحت العلمی، ۱۹۸۷م، ص ۱۱-۱۵). پژوهشگر دیگری کلمه فلسطین را مشتق از فلاش (Falach) می‌داند به معنای مهاجر یا بیگانه (ر.ک: عبدالفتاح عویسی، جذور القضية الفلسطينية، ص ۳۰). یاقوت حموی نام فلسطین را برگرفته از شخصی به نام فلسطین فرزند سام پسر ارم، فرزند سام پسر حضرت نوح (ع) می‌داند (یاقوت، معجم البلدان، ج ۴، چ بیروت، ۱۹۸۴م، ص ۲۷۴ و ۲۷۵).

۲. قیساریه فیلیپی که همان بندرگاه بانیا امروزی است با برج و باروهای بلند و مستحکم محافظت می‌شد، دیوارهای قطور این شهر که از سوی فرنگیان برای دفاع از شهر بنا گردید از شهرت زیادی برخوردار بود (ر.ک: کتاب فن الحرب عند الصلیبیین، ترجمه محمد ولید جلال، چ دمشق، ۱۹۸۵م، ص ۳۲۲ و ۳۲۳؛ نیز:

R. C. Smail, *Cusading Warfare*, London, 1978, p.223).

۳. شهرهای ده‌گانه به شهرهای ازاد نیز شهرت دارند و عبارت‌اند از: اربد، جدارا، جرش، فحل، کاپیتولیا، هبوس، دیوم، قناتا، و شهر دمشق که پایتخت آنها به شمار می‌رفت، شهرهای ده‌گانه یک پیمان صلح و عدم تجاوز با یکدیگر امضا کرده بودند که مفاد این پیمان سال‌های طولانی اعتبار داشت (ر.ک: جونز، مدن بلاد الشام، ترجمه احسان عباس، چ عمان، ۱۹۸۷م، ص ۴۰، ۶۶، ۱۰۰ و ۱۰۱؛ مخلوف، لويس، الاردن تاریخ و حضارة الآثار، ص ۱۰، ۱۵ و ۲۲).

برای ادامه زندگی خود به کشاورزی روی آورده و از انجام کارهای پست پرهیز می‌کردند، خداوند با آنان بود و به یاری آنها پرداخت و رعب و وحشت در دل دشمنانشان^۱ افکند، به طوری که یک تن از آنها می‌توانست به تعقیب هزار تن از دشمنان بپردازد و دو تن از آنها با ۱۰ هزار تن^۲ از بت پرستان مقابله نمایند، زیرا خداوند به آنها قدرت و شجاعت بخشیده بود، به طوری که دشمنان از آنان می‌هراسیدند و هیچ‌گونه امید پیروزی بر علیه آنها نداشتند. آنان همواره صلیب^۳ همراه داشتند که نشان نجات و پیروزی‌شان در میدان نبرد به شمار می‌رفت. گاه دشمنان را تارومار می‌کردند و به هلاکت می‌رساندند یا به اسارت درمی‌آوردند. آنها مستحکم‌ترین دژهای دشمنان را به خاطر حضرت مسیح فتح کردند و سرزمین‌های مقدس را با شجاعتی بی‌نظیر از چنگ مسلمانان آزاد ساختند.

صلیبیان فرنگی در آغاز حمله خود مدتی در مقابل بندر یافا^۴ در ساحل دریا در انتظار ماندند و در یک حمله ناگهانی^۵ آن شهر را تسخیر کردند، تا آنهایی که از آن سوی دریا برای کمک به آنان می‌شتافتند بتوانند در آنجا پیاده شوند و کشتی‌هایشان در آن بندرگاه پهلو بگیرد. شهر رمله^۶

۱. منظور نویسنده مسلمانان است.

۲. این سخنان، مبالغه‌آمیز و گزاف به نظر می‌رسد؛ زیرا یک سوارکار هرگز نمی‌تواند با هزار سوارکار به نبرد بپردازد، البته هدف نویسنده از این سخنان گزاف تشویق فرنگیان به مهاجرت به سرزمین‌های مقدس و نبرد با مسلمانان بوده است.

۳. صلیب هیچ‌گاه نشانه قتل و خونریزی نبوده است بلکه همواره نشانه دوستی و صلح به شمار می‌رفت.

۴. یافا بندرگاه کنعانی عربی قدیمی است که بر روی بلندی مقابل ساحل دریای مدیترانه قرار دارد، نام آن تحریف شده از واژه یافی به معنی زیبا است که در آثار باستانی مصر به نام یاپو و آپو و در آثار بابلی یا آپ پو نیز آمده است، در دوره یونانی‌ها یوپا خوانده می‌شد، این شهر دوبار از سوی رومیان ویران گردید (ر.ک: مصطفی‌مراد دباغ، بلادنا فلسطین، ج ۲، ص ۹۷ و ۹۸، ۱۰۳، ۱۰۵؛ جونز، مدن بلاد الشام، ص ۹۵. برای توصیف یافا ر.ک: مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، چ لیدن، ۱۹۰۶م، ص ۱۷۴؛ ابوالفداء، تقویم البلدان، چ پاریس، ۱۸۴۰م، ص ۲۳۹؛ رساله چاپ‌نشده ابراهیم سعید به عنوان یافا و دورها فی الصراع الصلیبی الاسلامی، اسکندریه، ۱۹۹۱، ص ۴۱ و ۵۱).

۵. سخنان یعقوب ویتری درباره اینکه شهر یافا در یک حمله ناگهانی به دست صلیبیان فرنگی تسخیر شد، سخنانی گزاف و دور از حقیقت است چرا که شهر خالی از سکنه و تمامی ساختمان‌های آن به جز یک برج ویران شده بود (ر.ک: ابراهیم سعید، یافا و دورها فی الصراع الصلیبی الاسلامی، ص ۵۲؛

Raimundus d'Aguilers, *Historia Fraucorum qui Ceperunt Iherusalem*, R. H. C. H. Occ. Tome III (ed.), Paris, 1866, p.249).

۶. رمله یکی از شهرهای مشهور فلسطینی است که در دوران خلیفه اموی سلیمان بن عبدالملک احداث شد، درباره علت نامگذاری این شهر دو نقل وجود دارد. گفته می‌شود زنی با همین نام در این محل خلیفه اموی و

که رامانا نیز نامیده می‌شود، در دشت بزرگی واقع است، این شهر در گذشته جمعیت زیادی داشت و دارای برج و باروی سنگی و مستحکمی بود، شهر حيفا^۱ که بوفیریا نیز نامیده می‌شود در ساحل دریا و ابتدای دامنه کوه کرمل^۲ در فاصله چهارمایلی عکا قرار دارد. شهر طبریه^۳ در ساحل دریاچه جینساریت^۴ واقع در منطقه الجلیل است که بدان دریاچه طبریه نیز می‌گویند، عموماً این دریاچه را دریای الجلیل می‌نامند، سرزمین‌های اطراف

افراد حاشیه وی را پذیرایی نکویی کرده بود و به پاسداشت او این نام بدانجا اطلاق شد، دیگر آنکه این محل به دلیل فراوانی شن این نام را گرفته است (ر.ک: بلاذری، فتوح البلدان، چ قاهره، ۱۹۵۷م، ج ۱، ص ۱۷۰؛ صادق احمد جوده، مدینه الزملة منذ نشئتها حتى عام ۴۹۲ق/۱۰۹۹م، عمان، ۱۹۸۶م، ص ۳۰ و ۳۱، و درباره نظر مقدسی ر.ک: احسن التقاسیم، ص ۱۶۴).

۱. حيفا یکی از شهرهای مشهور فلسطینی است که ناصر خسرو در سفرنامه خود آن را شهری آباد و سرسبز ذکر کرده است (ر.ک: سفرنامه ناصر خسرو، ترجمه یحیی خشاب، چ قاهره، ۱۹۴۵م، ص ۱۸). حيفا در دوران حکومت اسلامی یکی از بندرهای بزرگ و توسعه یافته به شمار می‌رفت. از این رو مورد طمع صلیبیان فرنگی قرار گرفت و در سال ۱۱۰۰م، به تسخیر آنان درآمد (ر.ک: عابدی، محمود، الآثار الاسلامیه فی فلسطین والاردن، چ عمان، ۱۹۷۳، ص ۳۷).

۲. کوه کرمل بین شهر حيفا و بخش شمالی سلسله کوه‌های نابلس قرار دارد، این کوه کوچک‌ترین سلسله کوه‌های این منطقه به شمار می‌رود، ارتفاع بلندترین قله آن از ۵۴۶ متر فراتر نمی‌رود (ر.ک: قسطنطین خماری، موسوعة فلسطین الجغرافیه، چ بیروت، ۱۹۶۹م، ص ۹۷). کوه کرمل در فاصله سه مایلی عکا و در نزدیکی ساحل دریا است و پوشش گیاهی آن زیبایی‌اش را دوچندان کرده است، صومعه زیبایی برای گرامیداشت حضرت مریم مقدس بر روی آن بنا شده بود که گروهی از راهبان مسیحی معروف به راهبان کرملی در آن اقامت می‌کردند (ر.ک: بیشاوی، سعید، الممتلكات الكنسیه، ص ۱۹۰).

۳. طبریه یک از شهرهای مشهور فلسطینی است که تأسیس آن به دوران کنعانیان بازمی‌گردد، این شهر به نام «رقه» به معنی دشت گسترده نیز معروف بوده است، کتاب تلمود نام آن را «رکات» یاد کرده است، اما طبریه از نام امپراتور رمی طیباریوس که به بازسازی آن همت گماشت، گرفته شده است (ر.ک: المقدسی، احسن التقاسیم، ص ۱۶۱؛ سامی احمد، تاریخ فلسطین القديم، چ بغداد، ۱۹۷۹، ص ۵۱؛ دویکات، فؤاد، طبریه و دورها فی الصراخ الصلیبی الاسلامی، رساله چاپ نشده دانشگاه یرموک، ۱۹۹۶م، ص ۳ و ۴).

۴. دریاچه ژینساریت (جینساریت): این نام از تورات گرفته شده است، این دریاچه با نام‌های دیگری معروف است از جمله دریاچه جرجاشی‌ها که نام قومی از قبایل کنعانی است که ساکن اطراف این دریاچه بودند، و همچنین دریاچه کنروت و در عهد جدید به آن دریاچه الجلیل گفتند و پس از احداث شهر طبریه به افتخار طیباریوس امپراتور رم نام دریاچه به طبریه تغییر کرد که تا به حال بدین نام خوانده می‌شود، دریاچه طبریه به شکل گلابی است و ۲۱ کیلومتر طول و ۱۲ کیلومتر عرض، و جمعاً ۱۶۵ کیلومتر مربع مساحت دارد، در اطراف دریاچه کشتزارها و باغستان‌های انگور و زیتون قرار دارد (ر.ک: بوچارد، وصف الارض المقدسه، ص ۹۰ و ۹۵؛ مصطفی مراد دباغ، بلادنا فلسطین، ج ۱، چ بیروت، ص ۶۹؛ یوشع ۱۲: ۱۳، تنبیه ۳: ۱۷).

این دریاچه به فرماندهی گودفروا^۱ در سال‌های نخست تسخیر بیت المقدس^۲ به دست ملت ما افتاد.

دوک گودفروا در پایان همان سال^۳ درگذشت، ولی برادر وی بالدوین اول که از کودکی فنون رزمی را فرا گرفته بود و سوارکار شجاع و دلیری به شمار می‌رفت، با رأی اکثریت مردم به عنوان پادشاه بیت المقدس انتخاب شد، بالدوین که مرد رزم و جنگ بود به توسعه قلمرو سرزمین‌های مقدس روی آورد و با کمک مردم ژنوا، شهرک ساحلی ارسوف^۴ را تسخیر کرد که به نام انتباتریس^۵ منتسب به انتباتر پدر هیروود، بود، این شهر بین یافا و قیساریه^۶ واقع است، در محلی زیبا و میان جنگل‌های انبوه و چمنزاری سرسبز و خرم قرار دارد.

۱. گودفروا بویونی، فرزند کنت یوستاش و در یک خانواده اصیل فرنگی به دنیا آمد، دوک لورین فرزندى نداشت و خواهرزاده خود گودفروا را به فرزندى پذیرفت پس از درگذشت وی گودفروا به تاج و تخت رسید، وی در سال ۱۰۹۹م، بیت المقدس را تصرف کرد و خود را نگهدار مرقد مقدس نام نهاد و به جای تاجگذاری حلقه‌ای از خار به یاد حضرت مسیح بر سر گذاشت.

William of Tyre, *A History of Deeds Done Beyond the Sea*, vol.I, pp.385-386; Besant, W. & E. H. Palmar Jerusalem, *The City of Herod and Slsdin*, p.213; Archer & Kingsford, *The Crusades "The Story of the Latin Kingdom of Jerusale"*, London, 1914, p.93; Grousset, R., *Histoire des Croisades*, vol.I, Paris, 1948, p.169.

۲. فرنگیان، بیت المقدس را در ۱۵ ژوئیه سال ۱۰۹۹م تسخیر کردند.

۳. منظور سال ۱۱۰۰م، است.

۴. ارسوف از شهرهای باستانی فلسطین و در فاصله سه مایلی جنوب قیساریه واقع است، در دوران یونانی، آپولونیا خوانده می‌شد، ارسوف از رسف خدای سامی گرفته شده است که شبیه خدای یونانی اپولونیوس بود، ارسوف هنگام فتوحات اعراب صوزوسا نامیده می‌شد، در دوران صلیبیان از سوی پادشاه بیت المقدس به شهسواران مهمان‌نواز بخشیده شد و محل استقرار آنان به شمار می‌رفت (ر.ک: جونز، مدن بلاد الشام، ص ۱۲، ۱۵ و ۱۴۳؛ بوچارد، وصف الارض المقدسه، ص ۱۶۱ و ۱۶۲؛ درباره نظر مقدسی و استرنج، ر.ک: احسن التقاسیم، ص ۱۷۴ و فلسطین فی العهد الاسلامی، ص ۳۱۸).

۵. انتباتریس در واقع شهر ارسوف نیست، بلکه نام شهر رأس العین است که بیشتر مؤرخان و جهانگردان صلیبی درباره نامگذاری این شهر دچار اشتباه می‌شوند (ر.ک: بوچارد، همان، ص ۱۶۲).

۶. قیساریه یکی از شهرهای مشهور فلسطینی است که رومیان آن را پایتخت فلسطین اول قرار دادند، در ابتدا دور (Dor) نام داشت ولی در دوران پادشاهی هیروود، این شهر بازسازی و قیساریه نامیده شد، این شهر در فاصله ۲۱ مایلی عکا قرار دارد و دارای خاک حاصلخیز و محصولات کشاورزی فراوانی است، این شهر دارای برج و باروی مستحکم بود که یک درب آهنی در دروازه شهر قرار داشت و دارای مسجدی زیبا در یکی از زیباترین مناطق شهر بود، این شهر در سال ۱۲۶۵م، از سوی بیبرس، پادشاه ممالیک به کلی ویران گردید (ر.ک: مقدسی، احسن التقاسیم، ص ۱۷۴؛ سفرنامه ناصر خسرو، ترجمه یحیی الخشاب، ص ۵۴؛ بوچارد، وصف الارض المقدسه، ص ۳۵، ۳۶، ۱۶۱ و ۱۶۲؛ استرنج، فلسطین فی العهد الاسلامی، ص ۴۴۷ و ۴۴۸؛ جونز، مدن بلاد الشام، ص ۱۲، ۱۴، ۱۵ و ۶۰).

پادشاه بالدوین اول با کمک اهالی ژنوا و محاصره دریایی و خشکی قیساریه فلسطین این شهر را تسخیر کرد.^۱ این شهر در گذشته برج ستراتو خوانده می‌شد، امپراتور هیروود این شهر را بازسازی کرد. قیساریه در نزدیکی دریا قرار دارد، ولی فاقد بندرگاه است، اطراف شهر را کشتزارها، باغستان‌ها و چراگاه‌های فراوان گرفته‌اند، قیساریه یکی از شهرهای مهم فلسطین دوم^۲ به شمار می‌رود، پولس مقدس حواری، مدت طولانی را در این شهر در بازداشت بود. بالدوین اول برای تصرف شهر قیساریه نیروهای زیادی را بسیج کرد (در حدود سه سال) سپس برای تصرف شهر عکا به سوی آن رهسپار شد؛ چون مناسب‌ترین بندرگاه برای پذیرش زائران مسیحی به شمار می‌رفت. اهالی ژنوا با هفتاد کشتی کوچک و بزرگ به این بندر حمله کردند و بالدوین از راه خشکی به کمک آنها شتافت و بندر عکا را در محاصره قرار داد، ساکنان بندر پس از گذشت بیست روز از نبرد سهمگین تاب نیاوردند و شهر را به پادشاه سپردند و در مقابل او پذیرفت که آنان همراه اثاثیه خود سالم از آن شهر خارج شوند، این شهر دو نام داشت یکی بتولیماس و دیگری عکا، این دو نام از دو برادر بتولیمی و عکون گرفته شده است، گفته می‌شود آن دو برادر این بندر را بنا کردند، این بندر در موقعیت مناسب میان کوه و ساحل دریا قرار دارد و رودخانه بیلوس از وسط آن می‌گذرد، در اطراف بندر کشتزارها و باغستان‌های فراوانی دیده می‌شود. این شهر در گذشته نیز جزء قلمرو فینیقی‌ها بود و صور مرکز آن به شمار می‌رفت. سپس ملت ما با کمک کنت طرابلس^۳ شهر بیروت را به محاصره درآوردند و پس از دو ماه محاصره به درون آن شهر راه یافتند^۴ و شمار زیادی از ساکنان آن را به هلاکت رساندند و تعداد زیادی از آنان را دستگیر کرده به زندان افکندند. بیروت در ساحل دریا میان صیدا و

۱. فرنگیان در سال ۱۱۰۱م، به فرماندهی بالدوین اول قیساریه را تصرف کردند و ساکنان شهر را در یک قتل عام کشتند سپس شهر را غارت کردند (ر.ک: ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱۰، چ بیروت، ۱۹۶۶م، ص ۳۲۵؛ ابن‌تغری بردی، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر والقاهرة، ج ۵، قاهره، ۱۹۶۳م، ص ۶۸۲).
 ۲. نویسنده در نامگذاری قیساریه به عنوان پایتخت فلسطین دوم اشتباه کرده است؛ زیرا این شهر پایتخت فلسطین اول و شهر بیسان پایتخت فلسطین دوم به شمار می‌رفت.
 ۳. وقتی بالدوین اول مقابل بیروت اردو زد، برترام برای پیوستن به او ابراز تمایل کرد که هر دو به محاصره بیروت دست زدند (ر.ک: ویلیام صوری، ج ۲، ص ۲۸۸).
 ۴. بیروت در سال ۱۱۱۰م، به تصرف صلیبیان درآمد (ر.ک: ابن‌قلانسی، ذیل تاریخ دمشق، بیروت، ۱۹۰۸م، ص ۲۶۹؛ ابن‌جوزی، مرآة الزمان، ج ۸، چ حیدرآباد دکن، ۱۹۵۱-۱۹۵۲، ص ۳۰؛ بیشاوی، الممتلكات الكنسیه، ص ۷۶؛ Albert d'Aix, *Histria Hierosolymitana*, R. H. C. - H. Occ (ed.), Tome IV, Paris, 1879, p.671; Grousset, R., vol.I, p.255).

جبیل^۱ در قلمرو فینیقیه قرار دارد. این شهر سرسبز و پوشیده از تاکستان‌ها و باغ‌های میوه است، در این شهر یهودیان برای تمسخر حضرت مسیح یک صلیب چوبی برپا کرده و آن را تیرباران کردند که ناگاه خون بسیاری^۲ از آن صلیب چوبی روان شد، یهودیان با مشاهده این معجزه قربانی دادند و از کار خویش شرمسار شدند.

پادشاه بالدوین دست از پیکار نکشید و در همان سالی که بیروت را تسخیر کرد، شهر صیدا^۳ را نیز با قدرت به تصرف خود درآورد و ساکنان شهر را که قدرت مقاومت از دست داده بودند، واداشت تا شهر را به او بسپارند، صیدا نیز در قلمرو فینیقیه قرار دارد و بین بیروت و صور واقع بر ساحل دریاست، این شهر نیز سراسر با کشتزارها، چراگاه‌های وسیع، تاکستان‌های انگور، مزارع زیتون و باغ‌های میوه پوشیده است. حضرت مسیح برای گردش، از حومه شهرهای صور و صیدا^۴ بازدید می‌کرد، سلیمان به حیرام گفت: «تو می‌دانی که هیچ‌کس مانند اهالی صیدا در قطع درختان مهارت ندارند».^۵

پس از اینکه بالدوین اول قلمرو پادشاهی خود را به سمت غرب توسعه داد، تصمیم گرفت قلمرو خود را به سمت شرق، یعنی ماوراء رود اردن نیز بگسترده، از این‌رو یک دژ مستحکم بر روی کوه بلندی در منطقه عربی سوم که سوریه صوبال (زوبال) نامیده می‌شود، احداث کرد و این دژ را مونتریال^۶ (کوه شاه) نامید، این منطقه سرشار از شراب، روغن زیتون و گندم است و آب و هوای مطبوع دارد. پادشاه بالدوین اول پس از احداث دژ در منطقه‌ای واقع میان عکا و صور در میدان کارزار درگذشت. این منطقه عموماً به اسکندالیون (اسکندرونه) معروف است، و در فاصله پنج‌مایلی

۱. یعقوب ویتری آن شهر را ببلیوم خوانده است. ۲. بوچارد، وصف الارض المقدسه، ص ۴۹.

۳. بالدوین، شهر صیدا را در دسامبر ۱۱۱۰م، تصرف کرد (ر.ک: ابن‌قلانسی، ذیل تاریخ دمشق، ص ۲۷۴؛ بیشاوی، الممتلكات الكنسیه، ص ۶۷؛

Fulcher of Chartres, *A History of the Expedition*, p.200; Richard, J., *The Latin Kingdom*, vol.I, p.26).

۴. متی ۱۴: ۳۴.

۵. در کتاب اول پادشاهان، فصل ۵، آیه ۶ چنین آمده: و حال امر نما که سروهای آزاد را از لبنان برای من ببرند و بندگان من همراه بندگان تو خواهند بود و برای بندگان تو اجرتشان را به تو می‌دهم موافق هرچه بفرمایی زیرا که تو می‌دانی که در میان ماها کسی یافت نمی‌شود که مثل صیدونیان بریدن درختان را بدانند.

۶. دژ مونتریال به قلعه شویک شهرت دارد، این قلعه توسط بالدوین اول در سال ۱۱۱۵م احداث شد، زیرا فرنگیان در آن زمان هیچ‌گونه دژ مستحکمی در آن سوی رود اردن در اختیار نداشتند، این دژ بر روی کوهی بلند و در موقعیت مناسب طبیعی احداث گردید (ر.ک: مخلوف، لويس، الاردن تاريخ و حضارة الآثار، ص ۲۳۶ و ۲۳۷؛

William of Tyre, *A History of Deeds Done Beyond the Sea*, vol.I. ch.26, p.506).

صور قرار دارد، بالدوین در دامنه کوه جمجمه در محلی به نام جلجثه به خاک سپرده شد. جانشین وی مردی شجاع، شریف‌زاده، متدین، خدا ترس و مبارزی دلیر بود، نام وی بالدوین بورگی و از پادشاهی فرانسه بود و از نزدیکان پادشاه سابق به شمار می‌رفت.

در اینجا نمی‌توانم درباره همه قدرت و توانایی‌های پادشاه سابق سخن برانم؛ زیرا زبانم از شرح آن همه تلاشی که وی و دیگر سربازان گمنام حضرت مسیح برای سربلندی و اعتلای نسل دوم مکابی‌ها از خود نشان دادند و اینکه چگونه برای خدمت به پروردگار و تقویت پادشاهی و مرزهای دولت مسیحی و نبرد با مسلمانان^۱ از جان و مال خویش مایه گذاشتند، عاجز و ناتوان است، در ادامه سخنان خود به گوشه‌ای از نبردها و پیروزی‌های مسیحیان برای استرداد سرزمین‌های مقدس و بازسازی کلیساهای خود در سراسر جهان می‌پردازم، ابتدا اجازه دهید درباره ایالت‌های چهارگانه سرزمین شام که همچنان در قلمرو کفار^۲ باقی مانده بود و سپس با یاری خدا به قلمرو کلیسای حضرت مسیح پیوست، سخنان خود را ادامه دهم. اولین ایالت «رُها» نام دارد و در منطقه «میدیا» واقع است، این ایالت در ابتدای جنگل انبوهی به نام «ماریت»^۳ قرار دارد و تا رودخانه فرات در سمت مشرق امتداد می‌یابد، این ایالت متشکل از چندین شهر و قلعه مستحکم است.

شهر رُها پایتخت میدیا شهرت فراوانی دارد، در کتاب عهد عتیق از آن با عنوان راجیس^۴ یاد شده است و اکنون رواس نام دارد. طوبیا فرزندش را از آنجا به شهری در نینوا که اکنون موصل نامیده می‌شود، فرستاد. تمامی ساکنان این شهر با وعظ و معجزات تادیوس حواری^۵ به مذهب

۱. نویسنده در اینجا به این نکته اشاره می‌کند که صلیبیان فرنگی از جان خود برای حمله به دشمنان، یعنی مسلمانان و تصرف شهرهای آنها مایه گذاشتند، این در حالی است که مسلمانان در سرزمین خود در راحتی و آسایش زندگی می‌کردند و قصد نبرد با صلیبیان در خارج از سرزمین‌های خود را نداشتند، ولی با حمله صلیبیان، مسلمانان متحد شدند و برای آزادی سرزمین‌های اشغالی خود به نبرد با آنان پرداختند.

۲. منظور نویسنده جنگل مرعش است.

۳. راجیس نام شهر مادی است، سفر طوبیا ۲۱: ۴، اکنون به زبان ارمنی رُها و به زبان لاتینی رواس و به زبان ترکی اورفه نامیده می‌شود (ر.ک):

Ludolph von Suchem's, *Description of the Holy Land*, trans. From the Original Latin by Aubery Stewart, London, 1885, p.81. Note; Marino Sanutos, *Secrets for True Crusades to Help Them to Recover the Holy Land*, trans. By Aubery Stewart, London, 1896, p.1).

۵. تادیوس حواری: یکی از هفتاد حواری حضرت مسیح است که بنا به درخواست پادشاه ایجاروس به رُها اعزام

مسیح درآمدند. جسد این حواری در این شهر مدفون است، گفته می‌شود پادشاه ابجاروس^۱ در زمان حضرت مسیح در این شهر حکمرانی می‌کرد، وی پس از اینکه خبر معجزات و کرامات آن حضرت را در بیت المقدس^۲ شنید نامه‌ای محبت‌آمیز به آن حضرت ارسال کرد که حضرت مسیح^۳ به آن نامه پاسخ داد،^۴ این شهر قبلاً از بالدوین اول برادر دوک گودفروا پیروی می‌کرد. بالدوین و جانشینان وی سراقنه (سراسنه)^۵ را از این شهر بیرون رانده و رُها را به قلمرو خود درآوردند. این منطقه پوشیده از جنگل‌های انبوه و مراتع و سراسر رودخانه‌های پر آب است و چون میان دو رودخانه قرار گرفته است بدانجا میزوبوتامیا (بین‌النهرین) نیز می‌گویند. شهر حران در این منطقه قرار دارد، حضرت ابراهیم (ع) هنگام مهاجرت از کلدیا و پیش از رسیدن به سرزمین موعود، مدتی در این شهر اقامت گزید، این ایالت سه سراسقف دارد، یکی در رُها و دیگری در ژیروپولیس و سومی در کوریکوس، اسقفان پیرو کلیسای انطاکیه‌اند.

ایالت دوم، انطاکیه نام دارد و پایتخت آن همان شهر انطاکیه^۶ است، شهر طرطوس^۷ واقع در مرزهای غربی انطاکیه است، طرطوس زادگاه پولس مقدس حواری به شمار می‌رود، شهر فالینا^۸

شد و با یاری خداوند بسیاری از بیماران را شفا داد، حتی ابجاروس را بدون دارو درمان کرد (ر.ک: یوسابیوس قیصری، التاریخ الکنسی، بخش ۱۳، ص ۵۷ و ۵۸؛

William of Tyre, *A History of Deeds Done Beyond the Sea*, vol.1, book 4, ch.2, p.189).

۱. ابجاروس پادشاه ایالت آن سوی فرات و به‌طور دقیق منطقه میدیا بود، این پادشاه به یک بیماری صعب‌العلاج مبتلا شد، پس از اینکه دریافت که حضرت مسیح بیماران زیادی را شفا می‌دهد نامه‌ای به آن حضرت نوشت و درخواست درمان بیماری‌اش را کرد (ر.ک: قیصری، همان).

۲. در متن منطقه یهودا آمده است.

۳. پادشاه ابجاروس نامه‌ای به این مضمون به حضرت مسیح ارسال کرد: درود ابجاروس حاکم ادسا به مسیح پاک نهاد سامی که در پادشاهی اورشلیم ظهور کرده است، من خبرهایتان و همچنین شفای بیماران بدون دارو و درمان و به دست شما را شنیده‌ام، گفته می‌شود شما افراد نابینا را بینا و افراد فلج را توانا کرده‌اید (ر.ک: قیصری، التاریخ الکنسی، بخش ۱۳، ص ۵۷ و ۵۸).

۴. حضرت مسیح در پاسخ آن نامه چنین نوشت: خوشا به حال تو که مرا ندیده به من ایمان آوردی (ر.ک: قیصری، همان، ص ۵۷).

۶. انطاکیه یکی از شهرهای سرزمین شام و در استان اسکندرونه واقع است، این شهر از سوی امپراتور سلوکس نیکاتور، پیش از میلاد احداث گردید و به افتخار پدر امپراتور آنتوخوس انطاکیه نامگذاری شد (ر.ک: تطیلی، بنیامین، سفرنامه، ص ۸۶ و ۸۷).

۷. در متن تاسوس آمده است.

۸. باناس یکی از شهرهای سوریه و در نزدیکی دریاچه حوله واقع است، رودخانه‌ای از میان این شهر می‌گذرد که آب خیلی سردی دارد و از منابع تأمین‌کننده آب دمشق است (ر.ک: مقدسی، احسن التقاسیم، ص ۱۶۰).

(بانیاس) در مرزهای شرقی انطاکیه است، این شهر در ساحل دریا قرار دارد. نام قدیم آن همان‌گونه که در کتاب دوم پادشاهان آمده است ربله می‌باشد، جایی که می‌نویسد:

و ملک را دستگیر نموده او را به پیش ملک بابل به ربله آوردند و بر او حکم نمودند،^۱ و پسران صدیقه را در پیش نظرش کشته و چشمان صدیقه را کردند و او را به زنجیرهایی برنجین بسته و او را به بابل بردند، و در روز هفتم ماه پنجم که سال نوزدهم ملک یعنی بنو کد نصر ملک بابل نبوزر ادان سردار سپاه خاص بنده ملک بابل^۲ به اورشلیم برآمد.

سپس نام آن شهر به پاس خدمات بزرگ امپراتور آنتوخیوس به انطاکیه تغییر کرد. نامبرده به توسعه آن شهر پرداخت و آنجا را بر تمامی اسقف‌نشین‌های شرق حاکم گرداند. پس از آنکه شهر به واسطه اندرزها و معجزات پولس مقدس رئیس حواریون به دیانت مسیح گردن نهاد، نام آن به افتخار تیوفیلوس^۳ هفتمین اسقف اعظم انطاکیه به تیوفیلوس تغییر یافت، بدین ترتیب نام شهر از یک پادشاه فاسد به یک اسقف پاک تغییر یافت. او کسی بود که قدیس لوقای بشارت‌دهنده اعمال حواریون را به او اختصاص داد. پیروان حضرت مسیح در آن شهر، نام مقدس خود را برای نخستین بار از زبان مسیح گرفتند، به این ترتیب این افرادی که قبلاً جلیلیان (طبریان) و حواریون خوانده می‌شدند، از این پس مسیحی خوانده شدند. بعد از حواریون این مکان در کنیسه‌الرب رتبه سوم را دارا بود. اسقف آنجا بیست اسقف‌نشین را تحت نفوذ خود داشت که در چهارده‌تای آنها مطران و معاون مطران وجود داشتند و رئیس اسقف‌ها ملقب به کاتولیکوس (اسقف کلیسا) بر شش‌تای دیگر حکم می‌راند. یکی از آنها اسقف هرنیوپولیس یا بلداخ^۴ بود، بلداخ بابل نیز خوانده می‌شد. دیگری اسقف آن و بزرگ اسقف‌های فارس بود.

۱. الملوك الثاني ۲۵: ۶. شهر ربله در کرانه راست رودخانه تیمانی بین بعلبک و حمص قرار دارد و از شهر انطاکیه بلندتر است.

۲. کتاب دوم پادشاهان ۲۵: ۷. در کتاب عهد عتیق آمده است، سربازان کلدانی پادشاه صدقیا را پس از پراکنده کردن نیروهایش در اریحا دستگیر کرده سپس او را همراه با فرزندانش به نزد پادشاه بابل در ربله بردند، در آنجا فرزندانش را در جلوی چشمان صدقیا سر بریدند و چشمان او را از حدقه بیرون آوردند و سپس او را با غل و زنجیر روانه بابل کردند.

۳. تیوفیلیس یکی از رهبران کلیسای انطاکیه بود که یوسابیوس قیصری وی را ششمین اسقف اعظم این شهر نامیده است (ر.ک: قیصری، تاریخ الكنیه، ص ۲۱۶، ۲۲۲ و ۲۲۳).

۴. Hirinopolis یا Eirenopolis، بلداخ، همان شهر بغداد است که در کتاب هزار و یک شب به آن مدینه‌السلام نیز می‌گویند.

انطاکیه در موقعیت مناسبی از سرزمین شام واقع است به طوری که از یک سو به کوه‌های مرتفع و از سوی دیگر به رودخانه‌ها و چشمه‌سارهای پرآب احاطه شده است، این شهر از خاک حاصلخیزی برخوردار است؛ از این رو، سرتاسر آن را کشتزارها و باغستان‌های پر محصول پوشانیده است. در نزدیکی این شهر دریاچه‌ای وجود دارد که پراز ماهی است، انطاکیه در فاصله ده‌مایلی از ساحل دریا واقع است و یک بندرگاه خوب در دهانه رودخانه تیمانی در ساحل دریا دارد که بدان بندر سمعان مقدس^۱ گویند، در شمال شهر یک بلندی وجود دارد که آن را تپه سیاه می‌نامند، بر روی آن تپه جمعی از راهبان و زاهدان در صومعه‌ای گرد آمده و طبق احکام کلیسای یونان و لاتین به عبادت می‌پردازند، سطح آن تپه را درختان و چشمه‌سارهای فراوانی پوشانیده است، هرچند نام آن تپه به زبان یونانی به معنی آب فراوان است ولی مردم عوام به آن تپه سیاه می‌گویند.

سومین ایالت سرزمین شام کنت طرابلس^۲ نام دارد، این شهر از قناتی در زیر قلعه مرقب آغاز و به قناتی واقع در حد فاصل جبیل^۳ و بیروت منتهی می‌شود، طرابلس در موقعیت ساحلی خیلی خوبی در منطقه سوریه فینیقیه قرار دارد، این شهر دارای زمین‌های کشاورزی مرغوب و گندم‌زارهای وسیع، باغستان‌های میوه و مراتع سرسبز است، این زمین از آب فراوان قنات‌ها و چشمه‌سارها آبیاری می‌شود، آب شهر بسیار گواراست و بهترین آب سرزمین شام به شمار می‌رود؛ زیرا از ذوب شدن برف‌های کوه‌های لبنان تأمین می‌شود، گفته می‌شود آب فراوان این شهر در بستر ساحل کناری با امواج آب شور و تلخ دریای مدیترانه در هم می‌آمیزد، تاکستان‌های این شهر در سال دوبار محصول انگور می‌دهند، این شهر پس از تصرف بیت المقدس دوبار از سوی ریموند کنت تولوز محاصره شد، نامبرده که مرد مبارز و دینداری بود برای تصرف شهر دژ مستحکمی در نزدیکی آن شهر احداث کرد که هم‌اکنون به آن قلعه زائران می‌گویند، فرزندش برترام پس از مرگ پدر به محاصره شهر به مدت هفت سال ادامه داد تا سرانجام موفق به تصرف شهر گردید.

چهارمین ایالت سرزمین شام، شهر بیت المقدس نام دارد، که حدود آن از قناتی واقع در بین جبیل^۴ و بیروت آغاز و به صحرایی در نزدیکی سرزمین مصر پس از قلعه داروم (دیر البلح)

۱. بندر سویدی در حال حاضر.

۲. طرابلس از دو واژه تشکیل شده است، Tri به معنای شهر و Polis به معنای مثلث که روی هم رفته به معنی شهر مثلث می‌باشد، طرابلس یکی از شهرهای مهم ساحلی واقع در کنار دریای مدیترانه به شمار می‌رود، این شهر تحت قلمرو فرنگیان درآمد. ۳. نویسنده نام جبیل را بیلیوم آورده است.

۴. جبیل یکی از شهرهای سرزمین شام به شمار می‌رود که در ساحل دریا قرار دارد، این شهر قبل از فتح شام از سوی مسلمانان کوبنا نامیده می‌شد سپس فینیقی‌ها آن را جبله نامیدند و به زبان یونانی بیلیوس خوانده

منتهی می‌گردد، شهر بیت‌المقدس با تلاش بی‌وقفه و خونریزی به خاطر حضرت مسیح عاقبت به تصرف فرنگیان درآمد. این شهر از سوی پهلوانان و دوستان پروردگار با قدرت و زور شمشیر آزاد گردید، آنان دشمنان را از این شهر بیرون راندند و آنها را از سرزمین مقدس دور کردند و به جایشان مؤمنان و هواداران حضرت مسیح^۱ را از دان تا بئر سبع، جای دادند.

دان از مرزهای شمالی سرزمین موعود^۲ به شمار می‌رود که شهری باستانی و در دامنه کوه لبنان قرار دارد، نام باستانی این شهر لشم بود ولی پس از تصرف آن از سوی فرزندان دان به این نام خوانده شد. سپس فیلیپ فرزند هیروود فرمانروای این شهر به توسعه دان پرداخت و نام آن را به افتخار امپراتور روم طیباریوس تغییر داد، اکنون این شهر بانیاس، یا به گفته عوام بلیاس خوانده می‌شود جنگل بزرگی در حاشیه این شهر واقع است که به جنگل بانیاس معروف است و در دامنه کوه لبنان قرار دارد. در گذشته این جنگل را جنگل لبنان می‌گفتند.

شهر بئر السبع در مرز جنوبی سرزمین مقدس قرار دارد، این شهر در فاصله ده‌مایلی عسقلان و در دامنه کوهی میان عسقلان و دشت واقع است و در گذشته به دست افراد قبیله سمعان سقوط کرد، این شهر چاهی دارد که بدان چاه پیمان گویند؛ زیرا حضرت ابراهیم(ع) این چاه را برای گواهی امضای پیمانی با ایمالک^۳ در این شهر حفر کرد، از این رو به چاه سبع^۴ (بئر السبع) معروف شد و در حال حاضر نیز به آن جبلین^۵ می‌گویند.

می‌شود، این شهر در کتیبه‌های مصر جبله و در بابل جبیل خوانده می‌شود که واژه اخیر یک لفظ سامی است (ر.ک: Gardiner, *Ensient Egyptian Onomastica*, vol.I, Oxford, 1927, p.132).

۱. این سخنان از ادعاهای پوچ و باطل فرنگیان به شمار می‌رود که برای تحقق انگیزه‌های شخصی خود آن را به کار می‌بردند.

۲. واژه سرزمین موعود در تورات آمده است، در حال حاضر از این واژه برای انگیزه‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی سوءاستفاده می‌شود و برای اشغال سرزمین افراد بومی و غارت و چپاول اموال آنها به کار می‌رود، خداوند سبحان وقتی که به حضرت ابراهیم(ع) وعده ورود به سرزمین مقدس را داد این وعده این‌گونه نبود که سرزمین مقدس جزء مایملک آن حضرت قرار گیرد، به طوری که در تاریخ آمده است وقتی که حضرت ابراهیم(ع) خواست پیکر همسرش سارا را در سرزمین مقدس به خاک بسپارد قطعه زمینی در اختیار نداشت لذا متوسل به حکمران شهر حبرون گردید که نامبرده قطعه زمینی از املاک خود به آن حضرت داد تا پیکر همسرش را در آنجا به خاک بسپارد.

۳. ایمالک از شخصیت‌های ذکر شده در تورات است و معاصر حضرت ابراهیم(ع) و فرزندش اسحاق(ع) بود، برخی گفته‌اند که ایمالک نام یکی از پادشاهان فلسطینی است.

۴. یعقوب ویتری در انتساب این شهر به بیت جبرین دچار اشتباه شده است؛ زیرا وی با وضعیت جغرافیایی فلسطین آشنایی زیادی ندارد.

۵. جبلین نام همان شهر بیت جبرین است.